



محوری‌ترین  
مؤلفه روایت  
سریال عاشورا  
«گذار از انسان  
جهادی به جامعه  
جهادی» است

«عاشورا» نام گرفته است، اشاره به لشکر ۳۱ عاشورا. مانه با یک قهرمان، بلکه بالشکری از قهرمانان مواجیم، علی اصغر که اهل تهران است اما به واسطه حضور پدرش در نیروی هوایی تریز از لشکر ۳۱ عاشورا به جبهه اعزام شده، رسول رزمنده شوخ طبع پرانگیزه‌ای که در اوج شجاعت به شهادت می‌رسد، خسرو و محمد، دو رفیق برادری که پرده دیدنی «من مهدی باکری نیستم» را رقم زده‌اند، علی اکبر نوجوان ۱۷ ساله اهل خوی از گردان حضرت قاسم علیه السلام که یک هفته روزه گرفته تا پدر و مادرش رضایت بدهند به جبهه بیاید، جمشید نظمی، مرتضی یاغچیان، حمید باکری و... همه در یک سریال ۷ قسمتی برای ما روایت می‌شوند تا با دامنه‌ای از انسان‌های مجاهد و قهرمان در یک لشکر روبه‌رو باشیم که قله‌ای به نام مهدی باکری دارد. اتفاقاً هر چقدر پرداخت به دامنه‌های بیشتر و بهتر انجام می‌شود، عظمت قله مشهودتر است.



در راستای گذار از  
انسان جهادی به  
جامعه جهادی،  
یک وجه کلیدی  
دیگر در روایت  
سریال به کمک  
می‌آید: خانواده  
جهادی. روایت  
«عاشورا» به شدت  
خانواده محور  
است

در راستای گذار از انسان جهادی به جامعه جهادی، یک وجه کلیدی دیگر در روایت سریال به کمک می‌آید: خانواده جهادی. روایت «عاشورا» به شدت خانواده محور است. عاطفه و احساس زهرا خواهر برادران باکری، رابطه برادرانه مهدی و حمید از کودکی تا رزم در کنار یکدیگر، داستان فوت مادر مهربان برادران باکری و زحمات و راهنمایی‌های پدرشان، ذوق و شوق پدرانه حمید نسبت به فرزندانش و عموی مهربانی (مهدی) که پس از حمید برای بچه‌هایش پدری می‌کند و روایت پاکیزه عاشقانه از نسبت مهدی و حمید با همسرانشان که نقطه اوج روایت خانواده محور و زنانه سریال است. گفت و گوی مهدی و صفیه در ماشین در قسمت پنجم سریال که با بحث و جدل شروع شده و با بخند و شوخی تمام می‌شود، سکانشی کم نظیر در تاریخ فیلم و سریال دفاع مقدس

در ذهنم خاطرات فیلم و سریال های دفاع مقدس را ورق می‌زنم، همه را مرور می‌کنم، کمتر نمونه‌ای این چنین پیدا می‌کنم! عجیب است. هم فیلم «موقعیت مهدی» و هم حالا نسخه سریالی اش «عاشورا» به شدت ساده هستند. تعجبم بیشتر می‌شود. کار هنر تولید حس است (نه احساس)، حس عمیق پایدار انسانی. باید روی چرایی این حس که سریال عاشورا به درستی تولید کرده، ایستاد و فکر کرد. ایستاد و گفت و گو کرد. ایستاد تا زبیس این اثر هنری، نکاتی استخراج شود از «روایت» برای «روایت». اما چه ویژگی‌هایی روایت «عاشورا» ی هادی حجازی فر را متمایز کرده است؟ محوری‌ترین مؤلفه روایت سریال عاشورا «گذار از انسان جهادی به جامعه جهادی» است. این مؤلفه در تمامی ابعاد سریال، خود را نشان داده است. از نام سریال شروع کنیم؛ برخلاف نسخه سینمایی اثر که نامش «موقعیت مهدی» بود، سریال آن،